



کلاس مدرسه پسرانسال ۱۳۳۸ (عکس: آرشیو ملی ایران - مرکز تصویرسازی)

آموزش زنان و پیدایش مدرسه‌های دخترانه، از آغاز نوگرایی تا پایان دهه ۲۰ خورشیدی؛ گفت‌وگو با دکتر سهیلا ترابی فارسانی

پردگیان و مخدرات؛ از اندرونی تا مدرسه

◀ فرآیند دراز و پربپیچ و خم آموزش نوین زنان در تاریخ معاصر ایران؛ دشواری‌ها، ایستادگی‌ها، کامیابی‌ها

از دوره تحصیل، به اندازه سال‌های تحصیل، در مدرسه‌های دولتی درس بدهند. مجلس شورای ملی به سال ۱۳۰۵ خورشیدی لایحه تعلیم اجباری را تصویب کرد. این قانون مقرر می‌کرد در روستاهایی که دانش‌آموزان آنها به ۷۰ برسد باید مدرسه داشته باشند. مجلس همچنین به سال ۱۳۰۷ خورشیدی به وزارت فرهنگ اجازه داد هشت معلم فرانسوی را برای افزایش کیفیت آموزش مدرسه‌های دخترانه به کار گیرد. وزارت فرهنگ نیز کتاب‌های نوین درسی منتشر می‌کرد. همچنین آموزه‌هایی در زمینه تدبیر منزل، خانه‌داری، بهداشت و ورزش، در برنامه‌های مدرسه‌های دخترانه گنجانده بود. در فرآیند گسترش مدرسه‌های ملی در این دوره، در برابر چند مدرسه پسرانه، مدرسه‌هایی نیز برای دختران پدید می‌آمد. اما راهز گسترش مدرسه‌ها برای پسران و هم برای دختران نشان داشت. دولت در ادامه برنامه‌ها و کارهای خود برای سامان‌بخشی به آموزش دختران، آیین‌نامه تأسیس دانشسرای مقدماتی دختران راه سال ۱۳۱۵ خورشیدی تصویب کرد. دو سال پیشتر، آیین‌نامه اجرای قانون تربیت معلم تصویب و مقرر شده بود، ۲۵ مرکز تربیت معلم در سراسر کشور، در یک دوره پنج ساله بنیان گذارده شود. نظام سنتی آموزش، بدین ترتیب در روزگار پهلوی با ششانی بیشتر جای خود را به مدرسه‌های نوین سپرد و این نهادهای نو گسترش یافتند. دولت در این روزگار بر آن بود آموزش و پرورش را کامل‌در دست خود گیرد و همه مراکزهای آموزشی زیر نظر تشکیلات دولتی درآیند. مدرسه‌های دخترانه و شمار دانش‌آموزان نیز بدین ترتیب افزایش چشمگیری می‌یافت. مدرسه‌ها نیز با تریبی مشخص و ویژه فعالیت می‌کردند. بولت به‌عنوان مثال شرایطی برای فعالیت و فعالیت مدرسه‌ها در نظر گرفته بود؛ ویژگی‌های مدیر و ساختمان مدرسه و نظم در مدیریت مدرسه‌ها و کلاس‌ها از آن دسته به شمار می‌آمد.

• اماری می‌توان جست که نشان دهد در روزگار پهلوی اول شمار مدرسه‌های دخترانه چه اندازه بوده‌است؟ مکتب‌خانه‌های قدیم نیز آیا به زیست خود در این روزگار ادامه دادند؟

آمار سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ خورشیدی از وجود ۷۸ مدرسه ابتدایی دخترانه و ۸۹ مدرسه ابتدایی دخترانه ملی آگاهی می‌دهد. در چنین شرایطی اما هنوز کسانی بودند که می‌پسندیدند فرزندان‌شان در مکتب‌خانه‌ها و به پایه همان شیوه پیشین آموزش ببینند، زیرا می‌پنداشتند مدرسه‌ها و آموزش‌های نوین، فرزندان‌شان را از اصول مذهبی دور می‌کند. شیوه سنتی آموزش از این‌رو تا پایان دهه ۲۰ خورشیدی همچنان پیوستگی و حضوری داشت. آمار از مکتب‌خانه‌های پایتخت به سال ۱۳۱۵ خورشیدی منتشر شد که این ماندگاری‌را می‌نمایاند.

• مقلع‌پندی نظام نوین آموزش چگونه بود؟ برنامه‌های درسی مدرسه‌ها بر پایه چه آموزه‌هایی استوار بود؟

دوره متوسطه، در سه‌سال نخست برای دختران و پسران مشترک بود و از سال چهارم به شاخه‌های علمی و هنری برای پسران و شاخه‌های علمی و عمومی برای دختران تقسیم می‌شد. دخترانی که شاخه علمی را به پایان می‌رساندند، می‌توانستند به تدریس وارد شوند و آنها که در شاخه عمومی دانش می‌آموختند، بودند، در مدرسه‌های دبستان‌های دبستان‌های علوم ریاضی، طبیعی، فیزیک و شیمی در برنامه درسی پسران بود اما دختران در کنار مواد درسی یادشده درباره تدبیر منزل، خانه‌داری، بهداشتی و خیاطی نیز درس‌هایی می‌آموختند. این گرایش در برنامه‌های درسی دختران می‌توانست نگرش خانواده‌های آنان را در یک جامعه سنتی دگرگون کند. شورآبعالی فرهنگ مدرسه‌های دختران، ۱۳۱۲ خورشیدی برای گسترش آموزش فنی و حرفه‌ای دختران، چهار آموزشگاه حرفه‌ای در تهران، تبریز و شیراز بنیان نهاد. این گونه آموزش‌ها می‌توانست بستری مناسب برای حضور زنان در گستره اجتماعی فراهم آورد و به روند نوگرایی و نوسازی به‌ویژه در حوزه آموزش یاری رساند.

• در همین هنگامه‌هاست که دولت پهلوی اول برنامه کشف حجاب را اجرا کرد. این مسأله بر آموزش دختران و مدرسه‌های دخترانه تأثیر گذاشت؟

رضاشاه همراه با علی‌اصغر حکمت وزیر معارف، در ۱۷ خورشیدی ۱۳۱۴ خورشیدی در جنبش اندیشمندی دختران فرهنگ و برنامه‌ریزی معارف مطرح کرد. شورآبعالی این خورشتان، در بمستان همان سال صوابی تازه درباره رسته‌های آموزش دختران تصویب کرد. دبستان‌های مختلط، در سال ۱۳۱۴ خورشیدی پدید آمدند. دانش‌آموزان این مدرسه‌ها پوشش یکسان پسران کتوششور و دختران دیووش - هر دو به رنگ خاکستری داشتند. شمار دانش‌آموزان دختر از سیسر کمتر بود اما روندی روبه‌رشد داشت. دولت از سال ۱۳۱۴ خورشیدی مقرر کرد دانش‌آموزان دختر در مدرسه‌ها پوشش کنند؛ آنها باید دیووش ویژه مدرسه بپوشند. بیشتر خانواده‌های دانش‌آموزان دختر ترجیح می‌دادند آنها پس از پایان دوره ابتدایی ازدواج کنند، از این‌رو شمار دانش‌آموزان متوسطه می‌داد هیچ دختری در کلاس‌های متوسطه نبوده است. البته مسأله کشف حجاب نیز می‌توانست در این پدیده مؤثر بوده باشد. خانواده‌های طبقه‌های متوسط و متوسط جامعه، رفته‌رفته دختران خود را بیشتر به دور متوسط‌مف‌رستادند.

پارهای زنان نوگرا در پیوستگی کنش‌ها و کوشش‌هایی که روزگار مشروطه آغاز شده بود، نهادهای تشکلی‌هایی در میانه‌های روزگار پهلوی اول پدید آوردند که آثاری مهم در سازمان‌دهی اندیشه‌های پیوسته با حوزه زنان داشتند. کارهای این نهادهای غیردولتی آیا در زمینه آموزش دختران نیز دستاوردهایی به‌همراه داشت؟

نهادهای مردمی حوزه زنان، در فرآیند گسترش آموزش‌های نوین زنان تأثیر چشمگیر داشتند. به‌عنوان نمونه پارهای از زنان فرهنگ‌دوست به ریاست صدیقه دولت‌آبادی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی کانون بانوان را بنیان گذارند. ششمه‌های کانون در تهران و دیگر شهرها با برگزاری مجلس‌های سخنرانی و پایه‌گذاری روزنامه و دیگر نشریات می‌کوشیدند سطح آگاهی زنان را افزایش داده، در راه‌اندازی بیناهنگی دختران و مدرسه‌های مختلط و برگزاری کلاس‌های آموزش، ورزشی، موسیقی، فراگیری زبان‌های خارجی پیشگام باشند.

تاریخ‌نگاری اجتماعی بسا تأکید بر عصر قاجار، «تحول گفتمان روزنامه‌های روشنفکری در قبل و بعد از جنبش مشروطه»، «تکاپوی زنان عصر قاجار فریاد جهان سنت و گذار از آن»، «روند آموزش زنان از آغاز نوگرایی تا پایان عصر رضاشاه» و «ویژگی‌های تاریخ‌نگاری زنان از خلال نشریات زنان از مشروطه تا پهلوی» می‌توان نام برد. با این تاریخ‌پژه درباره پیدایش، شکل‌گیری و گسترش آموزش زنان در تاریخ معاصر ایران گفت‌وگو کرده‌ایم.

ایران فراهم آورد، دریافت و دستاوردی مهم پیش روی می‌گذارد. دکتر سهیلا ترابی فارسانی، استاد دانشگاه، تاریخ‌نگار، پژوهشگر و نویسنده، تاکنون در گستره مسائلی زنان در تاریخ معاصر ایران بسیار پژوهیده و مقاله‌هایی گوناگون نگاشته است. از میان این کوشش‌های علمی، از مقاله‌هایی همچون «زن و تحول گفتمان از خلال نشریه‌های زنان از مشروطه تا پهلوی»، «زن و تحول امسر روزمره با تکیه بر نشریات زنان عصر قاجار»، «آداب‌نامه‌ها و جایگاه آن در

از آن زمان کاشته و پایه‌های آن در گذر زمان دوره‌های بعد گذارده شد. کنشگران و نوگرایان در این مسیر، روزگاری سخت از سر گذارندند و توانستند هم‌راستای شکل‌گیری آموزش‌ها و مدرسه‌های نوین در ایران معاصر، دختران و زنان را نیز بر سر کلاس‌های درس بنشانند. شناخت مانع‌ها و مشکل‌های راه، تأثیر خیزش‌ها و جنبش‌های اجتماعی و بازنشاسی کنشگران و معلمان و بستری اجتماعی که زمینه را پیدایش و گسترش آن پدید در تاریخ اجتماعی

مهدی یساولی - دبیر روایت نو | آموزش نوین دختران و زنان در تاریخ معاصر ایران، گذاری سخت، توان فرسا اما خواندنی، به روزگار ما داشته است. پندار این واقعیت که دختران و زنان ایرانی از چه زمانی و چگونه توانستند به شیوه نوین آموزش ببینند و به مدرسه بروند، ما را دست کم به ۲۰۰ سال پیش بازمی‌گرداند. نه این که چنین پدیده‌ای مهم - از آن رخ زمان داد؛ نخستین بدهای آموزش نوین در بستر جامعه سنتی و ناآشنا به دگرگونی‌های اجتماعی ایران،

رفت‌وآمد هیات‌های سیاسی در روزگار حکومت فتحعلی شاه قاجار، همچنین کوشش‌های شاهزاده عباس میرزا برای دستیابی به دانش‌های نوین، زمینه‌ای برای دگرگونی در شیوه سنتی آموزش در ایران فراهم آورد. نخستین مرحله نوگرایی آموزشی بدین ترتیب از این زمان آغاز شد. فرستادن دانشجو به اروپا، آمدن مسیونرهای مذهبی، انتشار روزنامه، ترجمه کتاب و کوشش‌های روشنفکران فرنگ‌زاده، در زمینه اصلاحات فرهنگی و اجتماعی، حکومت و جامعه ایران را در روزگار پیش از مشروطیت، در مسیر نخستین دگرگونی‌های آموزشی گذاشت. مسیونرهای خارجی در ایران، نخستین کنش‌ها را در گستره آموزش‌های نوین نمایانند. آنان با هدف تبلیغ مرام‌های دینی و مذهبی خویش مدرسه‌هایی به‌سبک اروپایی در شهرهای تهران، اصفهان، تبریز و ارومیه پدید آوردند. این مدرسه‌های نوین که کلاس‌های دخترانه و پسرانه داشتند، در دوره محمد شاه، جانشین فتحعلی شاه مجوز فعالیت گرفتند. سپس اجازه پایه‌گذاری یک مدرسه دخترانه در تهران به آن شرط داده شد که دختران مسلمان در آن راه نداشته باشند. شتاب جریان نوگرایی در ایران، این محدودیت را در دوره ناصرالدین شاه برآشت. سامول پنجابین، سفیر آمریکا شاه‌قاجار اجازه گرفت دختران مسلمان بتوانند در مدرسه‌های آمریکا درس بخوانند. مسلمان متوسطه فرانکو پسران، از مهم‌ترین مدرسه‌های دخترانه آمریکایی در ایران آن روزگار به شمار می‌آمد. مدرسه‌های غیرایرانی در بستر نوگرایی‌های ایرانیان در دوره ناصرالدین‌شاه بدین ترتیب در سراسر ایران گسترش یافتند. مدرسه‌های دخترانه در این میانه در شهرهای یزد، شیراز و کرمان پدیدار شد. دسته‌ای از کشیشان کاتولیک، مدرسه‌های خواهران سنت زنتا شیلیس و اندراک را در پایتخت بنیان نهادند. دختران در این مدرسه‌ها زبان‌های انگلیسی و فرانسه را فرامی‌گرفتند. این مدرسه‌های اروپایی هر چند بر پایه انگیزه‌های مذهبی پدید می‌آمدند اما تکان‌ها و جنبش‌های اجتماعی را به‌ویژه در زمینه آموزش دختران و پارهای باورهای اجتماعی در پی می‌آوردند. پدیده آموزش دختران در آن روزگار در جامعه‌ای یک بیرون آمدن دختران از خانه‌آسازانه‌ی پذیرفت، یک مسأله پیچیده به‌شمار می‌آمد. بسیاری از روشنفکران ایرانی اما الگوگیری از آموزه‌های غربی، همچنین با بهره‌گیری از وجود مدرسه‌های اروپایی در ایران، آموزش دختران را در عمل‌های بنیادین رشد جامعه پنداشتند و شناساندند و بر آن پای گذاشتند؛ این مخالفت‌هایی و مخالفتی بسیار پیش روی خویش می‌دیدند که در منظرهای دگرگونه به این دگرگونی بزرگی نگر بستند.

• بدین ترتیب تا پیش از کوشش‌های میرزا حسن رشده، زمینه برای پیدایش مدرسه تا اندازه‌ای فراهم آمده بود؟

زندیگ به پنج دهه پس از پایه‌گذاری و گشایش دارالفنون زمان برد تا سومین مرحله نوگرایی آموزشی در ایران آغاز شود. میرزا حسن رشده، از جددخواهان ایرانی با سفر به بیروت، همچنین خواندن نوشته‌ها و کتاب‌های روشنفکرانی چون طالبوف، از روش‌های نوین در فرآیند آموزش کودکان آگاهی یافت. او در سال ۱۲۷۸ خورشیدی مدرسه رشده‌ای را در تبریز بنیان گذارد. رشده، بر خلاف نظام سنتی، از پارهای روش‌های نوین و ابزارهای کمک‌آموزشی بهره می‌گرفت که البته تنها اصلاحاتی در روش‌های آموزشی، نه شیوه و کیفیت مواد درسی را در برمی‌گرفت. پارهای از قشورهای اجتماعی‌ها همین را نیز برنتافته، جلوی کار او را گرفتند. برخی روحانیان همچون شیخ‌های نجم‌آبادی و سیدمحمد طباطبایی به پشتیبانی از وی و روش‌های نوین آموزشی برآمدند. ۱۷ مدرسه ابتدایی خصوصی با کوشش‌های نوین جای می‌گیرد؟

بنیان‌گذاری دارالفنون به کوشش میرزا تقی خان فراهانی (امیرکبیر) سراسر آغاز دومین مرحله نوگرایی آموزشی در ایران معاصر به شمار می‌آید. دارالفنون هر چند از مدرسه نظام در روسیه الگو برداشته و تنها

تصویر کلی امروز ما از دگرگونی در زمینه آموزش به‌ویژه شکل‌گیری مدرسه‌های دخترانه در تاریخ معاصر ایران چگونه‌است؟

آموزش نوین زنان در تاریخ معاصر ایران، فرآیندی دراز، پربپیچ و خم و با دشواری‌ها و ایستادگی‌های بسیار بوده‌است. ورود هر کالا یا پدیده نوین غربی در سده‌های اخیر تاریخ ایران همواره با مانع‌هایی روبه‌رو می‌شد و موافقان و مخالفان داشت. دگرگون خواهان و پیشروان جامعه برای کاهش شکاف میان سنت و مدرنیسم، راهکارهایی در پیش می‌گرفتند که بیشتر در زمینه شکل و محتوای برنامه‌ها و کنش‌های متحدانه نمایان می‌شد. آموزش زنان تا پیش از روزگار مشروطیت چندان کامیاب نشد. پایه‌گذاری نخستین مدرسه‌های دخترانه در سال‌های پیش از پیروزی مشروطیت با ناکامی همراه شد. این آموزش، تا پیروزی مشروطه تنها به مدرسه‌های غیرایرانی منحصر بود. مجلس یکم شورای ملی اما در زمینه آموزش زنان و بنیان‌گذاری مدرسه‌های دخترانه ه‌اوردی نداشت. نخستین کوشش‌ها در زمینه قانون‌گذاری در این زمینه به کوشش‌های نمایندگان در مجلس دوم مشروطه بازمی‌گردد؛ فرآیندی که در دهه‌های بعد به‌ویژه تا پایان روزگار پهلوی اول پیوستگی و گسترش یافت.

شمس‌المدارس و حجاب در تهران بنیان گذاشته شد. این مدرسه‌ها اما مخاطبان محدود و ویژه داشتند و بیشتر خانواده‌ها پسران و دختران‌شان را همچنان به مکتب‌خانه‌ها می‌سپردند. مجلس شورای ملی یک‌سال بعد با تصویب قانون وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، رسیدگی به مدرسه‌های دولت‌به‌نیاد نوین‌دولتی سپرد. این رخداد مهم، زمینه‌ای مناسب برای رونق آموزش نوین در ایران در پی آورد به گونه‌ای که پس از آن هر سال شمار مدرسه‌های نوین افزایش یافت. فاصله سال‌های ۱۲۸۸ تا ۱۳۰۴ خورشیدی را می‌توان نخستین مرحله رشد نظام نوین آموزشی ایران در روزگار پس از مشروطیت برشمرد؛ ایرانیان به گونه‌ای چشمگیر در پاسخ به نیاز جامعه، مدرسه‌های خصوصی بنیان می‌گذارند. تصمیم‌های دولت به‌ویژه وزیران معارف به همراه قانون‌های مجلس نیز به یاری آنان می‌آمد. بستر کلان جامعه ایران بدین ترتیب برای رشد و گسترش مدرسه‌های نوین به‌ویژه دخترانه، آماده‌گی بیشتری یافت. دولت با تصویب قانون اساسی فرهنگ به سال ۱۲۹۰ خورشیدی، تعلیمات ابتدایی را اجباری کرد. مدرسه‌ها در پی این دگرگونی، سامان بیشتری یافتند و شیوه اداره نظام‌مند آنها مشخص شد؛ مدرسه‌ها به دو دسته ملی و دولتی بخش می‌شدند؛ مدرسه‌های ملی از دانش‌آموزان شهر به می‌گرفتند، دولت نیز هزینه مدرسه‌های دولتی را تأمین می‌کرد. فرآیند تحصیل، به دو دوره ابتدایی (شش ساله) و متوسطه (دو دوره سه ساله) بخش می‌شد. رشته‌های تحصیلی، زمینه‌هایی چون ریاضی، طبیعی، ادبی، کشاورزی و خانه‌داری بود. مدرسه‌ها درسی‌های فارسی، عربی، جغرافی، زبان انگلیسی و شریعت را از پایه می‌کردند. دگرگونی‌های سال‌های بعد همچون راه‌اندازی مدرسه‌های پرورش دوشیزگان و معارف توجه حکومت به آموزش کودکان و نوجوانان به‌ویژه دختران به شمار می‌آمد. دارالعلمیات، معلمان زن مورد نیاز مدرسه‌های دخترانه را تربیت می‌کرد. دختران دانش‌آموزی که تصدیق‌نامه ابتدایی گرفته بودند، پس از آن به دوره متوسطه می‌توانستند راه یابند. آنان در این دوره ترازه، اصول تعلیم و تربیت را نیز در کنار دیگر درس‌های متوسطه فرامی‌گرفتند. دولت به‌سسال ۱۳۰۱ خورشیدی اقدام آندره هس فرانسوی را برای مدیریته دارالعلمیات به کار گرفت. او برنامه‌های نوگراگون عملی و حرفه‌ای برای آموزش دانش‌آموزان طراحی کرد. شماری از شاگردان دارالعلمیات شهریه نمی‌پرداختند اما باید پس

رشت، مشهد، تبریز و بوشهر گشایش یافت که بدون پشتیبانی دولت، تنها به کوشش مالی و معنوی دگرگونی خواهان‌ها می‌شدند.

• نخستین کوشش‌های نوگرایان و مصلحان اجتماعی برای پایه‌گذاری مدرسه‌های ایرانی دخترانه، از این دوره پدیدار می‌شود؟

بله، اما پایه‌گذاری مدرسه‌های دختران به سادگی ممکن نبود. نخستین کنش برای پیدایش مدرسه ملی دخترانه، ایستادگی‌های تند در پی آورد فعالیت مدرسه دخترانه پرورش به کوشش طوبی رشده‌ی در سال ۱۲۸۲ خورشیدی، تنها چهار روز پایدار بود و با مخالفت‌ها به تعطیلی رسید. سه‌سال بعد بی‌بی‌خانم وزیراف، مدرسه دخترانه ملی دوشیزگان را بنیان نهاد. مدرسه دخترانه پرورش به‌سسال اداره معارف از این‌رو به‌وی‌توصیه کرد مدرسه را تعطیل کند. آموزش و پرورش دختران تا پیش از روزگار مشروطیت بدین ترتیب به مدرسه‌های غیرایرانی محدود می‌شد.

• بدین ترتیب تا پیش از کوشش‌های میرزا حسن رشده، زمینه برای پیدایش مدرسه تا اندازه‌ای فراهم آمده بود؟

زندیگ به پنج دهه پس از پایه‌گذاری و گشایش دارالفنون زمان برد تا سومین مرحله نوگرایی آموزشی در ایران آغاز شود. میرزا حسن رشده، از جددخواهان ایرانی با سفر به بیروت، همچنین خواندن نوشته‌ها و کتاب‌های روشنفکرانی چون طالبوف، از روش‌های نوین در فرآیند آموزش کودکان آگاهی یافت. او در سال ۱۲۷۸ خورشیدی مدرسه رشده‌ای را در تبریز بنیان گذارد. رشده، بر خلاف نظام سنتی، از پارهای روش‌های نوین و ابزارهای کمک‌آموزشی بهره می‌گرفت که البته تنها اصلاحاتی در روش‌های آموزشی، نه شیوه و کیفیت مواد درسی را در برمی‌گرفت. پارهای از قشورهای اجتماعی‌ها همین را نیز برنتافته، جلوی کار او را گرفتند. برخی روحانیان همچون شیخ‌های نجم‌آبادی و سیدمحمد طباطبایی به پشتیبانی از وی و روش‌های نوین آموزشی برآمدند. ۱۷ مدرسه ابتدایی خصوصی با کوشش‌های نوین جای می‌گیرد؟

بنیان‌گذاری دارالفنون به کوشش میرزا تقی خان فراهانی (امیرکبیر) سراسر آغاز دومین مرحله نوگرایی آموزشی در ایران معاصر به شمار می‌آید. دارالفنون هر چند از مدرسه نظام در روسیه الگو برداشته و تنها

تصویر کلی امروز ما از دگرگونی در زمینه آموزش به‌ویژه شکل‌گیری مدرسه‌های دخترانه در تاریخ معاصر ایران چگونه‌است؟

آموزش نوین زنان در تاریخ معاصر ایران، فرآیندی دراز، پربپیچ و خم و با دشواری‌ها و ایستادگی‌های بسیار بوده‌است. ورود هر کالا یا پدیده نوین غربی در سده‌های اخیر تاریخ ایران همواره با مانع‌هایی روبه‌رو می‌شد و موافقان و مخالفان داشت. دگرگون خواهان و پیشروان جامعه برای کاهش شکاف میان سنت و مدرنیسم، راهکارهایی در پیش می‌گرفتند که بیشتر در زمینه شکل و محتوای برنامه‌ها و کنش‌های متحدانه نمایان می‌شد. آموزش زنان تا پیش از روزگار مشروطیت چندان کامیاب نشد. پایه‌گذاری نخستین مدرسه‌های دخترانه در سال‌های پیش از پیروزی مشروطیت با ناکامی همراه شد. این آموزش، تا پیروزی مشروطه تنها به مدرسه‌های غیرایرانی منحصر بود. مجلس یکم شورای ملی اما در زمینه آموزش زنان و بنیان‌گذاری مدرسه‌های دخترانه ه‌اوردی نداشت. نخستین کوشش‌ها در زمینه قانون‌گذاری در این زمینه به کوشش‌های نمایندگان در مجلس دوم مشروطه بازمی‌گردد؛ فرآیندی که در دهه‌های بعد به‌ویژه تا پایان روزگار پهلوی اول پیوستگی و گسترش یافت.